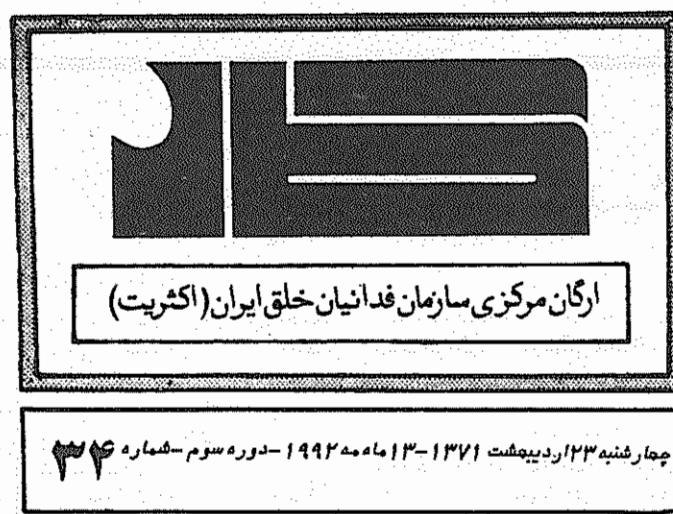


در واپسین ماههای حکومت حزب وطن افغانستان

تحولات هفتاهی اخیر
افغانستان همانند بسیاری از
تحولات این کشور در ۳ دهه
گذشته، قیر متوجه بود. در
حالیکه محافل بین المللی در
مامهای گذشته چشم به
کوشش‌های سازمان ملل برای حل و
فصل بحران ۱۴ ساله افغانستان
دوخته و نسبت به فرجم این
کوشش‌ها ابراز خوش‌بینی میکردند



مرحله دوم انتخابات مجلس برگزار شد

کمی رای کرویی در انتخابات
اظهار تأسف کرد و بدخی هوامی
را متمم ساخت که به تزور سیاسی
دست زده‌اند و یکی از هریزترین
یاران خمینی را مویرتب عرض و
ظلم قرار داده‌اند. او گفت تباید دو
جناح سیاسی را تنها در تهران
خلاصه کنیم این دو جریان در
بعنه در صفحه ۳

شکست سخت تند روایا
در مرحله دوم انتخابات

میداریها نقش برآب شد. شکست نیروهای تندرو در تهران بسیار سنتگین بوده است. در حالیکه تا مخطه تنظیم این خبر نتایج کامل انتخابات مرحله دوم در تهرانعلام شده، اما شمارش آزادر نیمه از حوزه هاشان می دهد که پیچ کدام از نمایندگان تندرو و حتی چهره های پرجسته آنها هم چون مهدی کروبی، خوئینی ها و محتشمی نیز نتوانسته اند به مجلس چهارم راه یابند.

رداخت و گفتگواری به جرم
انتشار مطالبی علیه خامنه‌ای به
۱۶ ضربه شلاق محاکوم گردیده
و در که توسط خامنه‌ای مورد
خشش ترا رگرفته است .
قلت رای برشی از چهره‌های
ندر و بویژه کروبی در بین
بروهای حکومت بازتاب
سیعی پیدا کرد . احمد خمینی از

حدت در گیریها افزوده بود. تندروها که بازی را باخته بودند، بر شدت حملات خود بیویژه در مجلس شورای افزودند. عدهای از نمایندگان مجلس که صلاحیتشان رد شده بود به اعتراض پرخاستند، پنج گروه موسوم به «ائتلاف خطمام»^{۱۰} به عنوان اعتراض به روند انتخابات و دخالت های دولت دعوت به تظاهرات اعتراض آمیز در داشتگاه تهران کردند و طرفداران جناح حاکم نیز با انتشار بیانیه ای از مردم خواستند تظاهرات آنها را خشی نمایند. بجز اینوی طی تامه سرگشاده ای به رفسنجانی نسبت به ردصلاحیت خود توسط شورای نگهبان اعتراض نمود. انشاگری در مجلس و مطابقات شروع شد. هادی فخاری که جزو لیست حدفی های بود و متعتم به اختلاس و سوء استفاده های کلان مالی است، بدفاع از خود برخاست و سو استفاده های را رد کرد. روزنامه رسالت در جواب به سخنان هادی فقار، به افشاگری - حدید

مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در مرحله اول ۱۳۷۷ نفر انتخاب شدند و سرنوشت ۴۶۵ کاندیدا به مرحله دوم کشیده شد. از این تعداد ۱۳۳ رای اکثریت نسبی به مجلس راه یافتند.

این مرحله انتخابات هم به خاطر این که تکلیف نیمی از نمایندگان مجلس شورا را روشن می کرد برای نیروهای حکومتی دارای اهمیت زیادی بود، به همین خاطر نزاع به طور نشده هم چنان جریان داشت. این مسئله در تهران از حدت بیشتری بر خوردار نبود، بیویژه اینکه از ۳۵ نماینده تهران فقط دونفر در مرحله اول به مجلس راه یافتند و تکلیف ۲۸ نفر دیگر می بایست در جریان مرحله دوم انتخابات متعین می شد.

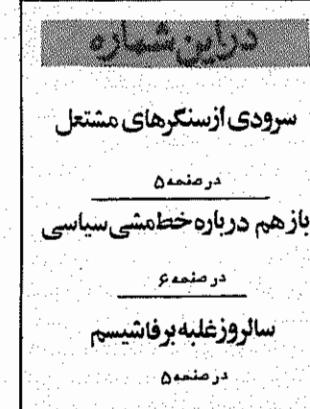
رد صلاحیت عده قابل توجهی از کاندیداهای جناح تندرو توسط هیئت اجرایی و نظارت و تاییج مرحله اوا انتخابات ب

گسترش دامنه بهران در قره باغ

سران دو جمهوری آذربایجان و ارمنستان با میانجیگری هاشمی رفسنجانی سرگرم مذاکره بر سر مناقشه $\frac{4}{3}$ ساله قره باغ کوهستانی یودند، دامنه درگیریها در این منطقه بالاگرفت و نیروهای ارمنی با گسترش عملیات نظامی خود و در پی ۳ روز زد خودر، شخر شوشا در منطقه قره باغ را به تصرف خود درآوردند. گفته می شود شوشا آخرین موضوع آذربایجان در منطقه قره باغ بود که به تصرف نیروهای ارمنی در آمدۀ است.

یک روز پیش از تصرف شهر شوشا توسط نیروهای ارمنی، الملوک تپرتوسیان رئیس جمهور ارمنستان و یعقوب محمداف کنفیل ریاست جمهوری آذربایجان در مذاکراتی در تهران با وساطت هاشمی رفسنجانی، بر سر برقراری آتش‌بس در قره باغ و پایان دادن به محاصره اقتصادی این منطقه به توافق رسیده

ستگیر و روانه زندان شدند.
با وجود این دستگیری‌ها،
مله به شریه فاراد ادامه دارد.
شکنی امام جمیع تمدن نماز
معه گفت: "برای ملتی که
در هر خود عشق می‌ورزد، قابل
حمل نیست که انسان هایی رذل و
اعتقاد به خود اجازه دهند
بنین جسارتی به حضرت امام
جامده‌ند. حزب الله ما، همان
ترادی که در مقابل آمریکا و
بوروی ایستادند، به عاملین این
برکت هم پاسخ مناسب دادند
هدر برابر این حرکات ساخت
خواهند نشست. دولت مومن و
مسلمان مابه کهتر از اعدام و مرگ
ای توهمیں کنندگان در این
بعیده در صفحه ۲



ناآرامی‌های خونین در دومین شهر بزرگ آمریکا

بدنبال صدورای برائت چهار
مامور پلیس که یک راننده
سیاهپوست را تا سرحد
هرگ مضروب کرده بودند،
لو آنجلس دومین شهربرگ
ایالت متحده به مدت سه روز
شاهدان آرامی های خونینی بود که
طی آن حداقل ۵۴ تن به قتل
رسیدند، ۲۱۶ نفر م逰وح شدند

چماق تاریک اندیشی علیه روشنفکران

مهاجمین مسلح، دفتر مهاجمین
”دنیای سخن“ را منفجر کردند.
یکروز قبل از آن موسسه چاپ و
نشر اندیشه مورد حمله
قرار گرفت، چند ساعته قبل از این
رویداده، دانشجویان حزب الهی
به دفتر نشریه فارادحمله کردند و
وسایل آن را به خیابان ریخته و
آتش زدند. امتیاز این نشریه لغو
و مسئولین آن توسط دادستانی
دادگاه های انقلاب بازداشت
شدند. چند ماه قبل عده ای از زنان
حزب الهی به دفتر مجله
گردون ریخته و بدنبال آن امتیاز
نشریه لغو گردید، طبعاً دادستان به
این جاخته هم می پاید و شاهد
حملات دیگر خواهیم بود.
بدون تردید این موج
بر خاسته یکباره بوجود نیامده
است، پتانسیل این موج راکسانی
ساختند که یکی دو سال قبل بر
آتش ^{تماجم} فرستنگی^{۲۰}
میدمیدند و همه روزه صفحات
روزنامه و نشریات خود را از
مطالبی پرمی کردند که تمام اعلیه
این گونه نشریات و نویسندها و
هنرمندان فیرواسته به دولت

از سال ۱۴۶۴ هجری بعد وزارت ارشاد
اسلامی به چند نشریه که وابسته به
رژیم اسلامی نبودند، اجازه انتشار
داد. این تداهه نشریه آذینه و سپس به
دنیای سخن و مفید، غنید گویا به
حاطر مشکلات مالی و
کاغذ تعطیل شد. این نشریات
دیدگاههای روشنگران
قیر وابسته به حکومت را
بازتاب می‌داد و مطالب آنها عمدتاً
به عرصه‌های ادبی و هنری و گاه
مسائل سیاسی و
اجتماعی اختصاص داشت. از سال
۸۴ به این سو بریزان این گونه
نشریات افزوده شد و نشریات
متعددی که وابسته به رژیم
اسلامی نبودند پا به حیات
گذاشتند. این نشریات در کوتاه
مدت سریعاً میان روشنگران
داخل و خارج از کشور جایز کردند
و با استقبال زیادی مواجه شدند.
این نشریات حداقل امکاناتی برای
از آنچه اندیشه‌های دیدگاههای جامعه

تماوم اعتراضات مردم

* بنوشه روزنامه سلام آموزگاران و دبیران شهرستان اردبیل در روز معلم دست به تظاهرات زدن و خواستار حل مسئله مسکن و واگذاری زمین به معلمین شدند. تظاهرات زمانی روی داد که خسروی فرماندار اردبیل در مسجد اعظم اردبیل در باره همیت معلم سخنرانی میکرد. درین مسجد بیشتر از یکهزار معلم حضور داشتند. موقع سخنرانی فرماندار، صدرها تن از معلمین پیاخته و با دادن شعار خواستار حل مسئله

آنچه که دولت میخواهد از صندوق های بیرون میآورد!

محتشمی خواهان تشکیل
حزب "حزب الله" شد

به سوی ایده‌هایی تازه روزی آوردن
و بالاخره گرایشاتی که فکر سازش
با ائتلاف حاکم که‌اینک ممه قدرت
را به چند آورده، هستند.
جلوگیری از این اشتعال نه
امکانپذیر و نه به ویژه برای آن
دسته از نیروهای تندروکه سخن از
جمهوری و مرعیت مردم
همی گویند عاقلانه است. این دسته
از نیروها اگر بخواهند مسئولیت
شکست خود را همچنان بر عهد
ائمه انتلاف حاکم، امکانات
و سیاست تبلیغاتی آنان و یا تبلیغات
نتخاباتی و دلایل مشاهده دیگر که
واقعی هم مستند پیش از ندویاری
مقابله با رقیب به ترویریست‌ها و
سرکوبگران "جنایت چپ"
میدیندند، راه بجای خواهند
رد. آنها قبل از هر چیز به خاطر
ذاعشاں از "خطمام" و گذشته
حکومت که گذشته‌ای تنگی
و جنایت‌بار است شکست خورده‌اند.
نتخابات اخیر این نکته را آشکار
کرد که "خط امام" و گذشته
جمهوری اسلامی، آینده‌ای
دارد. اگر آینده‌ای وجود داشته
باشد، جدایی شجاعانه از گذشته
سیاسیه جمهوری اسلامی
ست نیروهای ارتجاعی حزب الله
می‌خواهند چنان در حال تجزیه
منعکسی در همان چارچوبه گذشته حفظ
نمی‌شوند. به دست گرفتن ابتكار
شکل نیروهای تندرو، از سوی
نسانی چون محتشمی که به
ظرفداری از سیاست ترور و
سرکوب مشهورند نمی‌تواند
از تابعه دهنده تمایلاتی باشد که
نه سخن از جمهوری و مرعیت
مردم می‌گویند. "جمهوریت
" مرعیت مردم" و
"زادی انتخابات" نه قدرت مقابله
روحانیون سنت گرا و "جنایت
راست" بلکه در جدایی قطعی از
نیروهای مدافع ترور و سرکوب
"جنایت چپ" میتواند معنایی
آنکه یابد.

به دنبال شکست سنتگیں
تیره‌های تندرو در انتخابات
چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی، علی‌اکبر محتشمی از
جمهوری‌های مشهور این جناح
خواهان ایجاد تشكیلات انتقالی
سیاسی^۱ حزب الله شد. وی در یک
سخنرانی که در روز نامه سلام ۱۳
ار دیپلمات به چاپ رسید این فکر
را به صراحت به میان کشید و
گفت^۲: «به نظر می‌رسد که
حزب الله خودش با یادیک تحرک و
انسجامی داشته باشد و
متاسفانه تیره‌های حزب الهی در
سراسر کشور از این
یکدیگر جدا شوند و این زنجیره
با یادیه هم متصل و پیوسته باشد و با
ایجاد یک تشكیلات انقلابی در
قالب یک تشكیلات سیاسی و یا
هملت‌دیگر تحت پوشش امت
حزب الله هسته‌های متفرق حزب
الله در سطح کشور را به هم پیوند
دهند».^۳

اندیشه تشكیل و ایجاد حزب
سیاسی مدتی است که در مخالف
وابسته به جناح تندرو و پیش از
همگرایشاتی از آنان که با یاده‌هایی
هم چون جمهوریت، مر جعیت مرد
م و «ولایت مشروطه فقیه»^۴
کرایش نشان
میدهند - طرح شده است. در واقع
نیز باشکست در انتخابات اخیر و
تبديل شدن به اقلیتی ضعیف
در مجلس، امکان دیگری برای
بنای سیاسی این نیروها به جز
متشكل شدن در حزب یا
جمعیتی که بتواند حضور آنها در
جامعه و حاشیه جکومت را تأمین
کند، باقی نمانده است.

اما «حزب الله» آنکه که
موردنظر محتشمی است، هر چه
بیشتر واقعیت وجودی خود را ز
دست می‌دهد و روند اشتقاق
و تجزیه را می‌پیماید. اکنون
می‌توان از گرایشاتی مختلف در
«حزب الله» یا جناح تندرو سخن
گفت. گرایشاتی که هم چنان
برمواضع ارتجاعی گذشت خط
امام پاپشاری می‌کند. گرایشاتی
که می‌کوشند کم یا بیش از این
گذشت و ایده‌های حاکم بر آن
ناظمه‌گیرند و در این فاصله‌گیری

مجلس بغرستید که طرفدار مستضعفین باشد و طعم فقر را چشیده باشند^{۴۰}. این پیام معنی معینی داشته. یعنی به طرفداران خطای امام را بدید و به کاندیداهای جناح رسالت که طرفدار تجارت بازار هستند، را ندهید. به همین خاطر ۱۵ نفری که در دور اول انتخابات در تهران به مجلس راه یافته‌اند، همان‌جا لیست مجمع^{۴۱} روحانیون هیا^{۴۲} را یعنی لیست خطای امام بود. در آن دور اکثریت مجلس دست خط امامی‌ها افتاد و رسالتی هائیروی کمتری را توانستند به مجلس بفرستند.

در فاصله بین دو انتخابات، در نوک هرم قدرت تغییراتی صورت گرفت. این تغییرات نهنشانه از آرا مردم و یا نهایندگان مجلس شورا، بلکه تصمیمات سران حکومتی بود. خامنه‌ای در موقعیت رهبری و رفسنجانی در مسؤولیت رئیس جمهوری قرار گرفت. این ائتلاف از خط امام فاصله گرفته و بار سالی‌ها ائتلاف کرده. در این تغییر و تحول پست نخست وزیری حذف و موسوی و کابینه اوکنار گذارده شد و بدون اینکه تغییری در اکثریت مجلس وجود آید اداره امور کشور بدست جناح دیگر افتاد که در مجلس در اقلیت بود.

از مدت‌ها قبل این نفعه ساز شده بود که مجلس با دولت هماهنگ نیست و مطابق معمول راه حل مسئله‌نہ در تغییر دولت بلکه در سر هم‌بندی کردن مجلس

می بایستی تغییر پیدا کرده تا
دولت هماهنگ مجلس شورا را روی
کار آید.

نگاهی به دوره قبل و فعلی
انتخابات نشان می دهد که وضع
به لونهای دیگر است. در
دوره سوم انتخابات مجلس، خط
امام در حکومت مسلط بوده
موسوسی نخست وزیر بود و خمینی
هم از دولت او حمایت می کرد. در
آستانه برگزاری انتخابات، نزاع
جاری بین خط امامیها و جناح
رسالت جریان داشت. محتشمی
در آن موقع وزیر کشور بود. جناح
حاکم بویژه شخص محتشمی
می کوشید که مجلس یکدست و
هماهنگ با دولت تشکیل دهد.
محتشمی برای تامین این هدف
بیش از ۳۵۰ نفر از مسئولین
وزارت کشور را که عمدتاً دار
اجرا انتخابات بودند جابجا کرد و
۱۰۵ تن از آنان را برکنار کرد و
آشکارا اعلام نمود که:
”هر کس مخالف دولت باشد ما
بدون رود برایستی کنارش
می گذاریم“ و معاون وی نیز
ابراز داشت: ”اگر ما بخواهیم در
آینده مجلس یکدست
داشته باشیم، ناچاریم
تام استانداران و فرمانداران را
عوض کنیم و آقای محتشمی
مشغول همین کار است“.

در آن زمان شورای نگهبان با
وزارت کشور شدیداً درگیر شد و
در مقابل آن نزاع دخالت نموده و به نفع
وزارت کشور موضع گرفت. وی
قبل از انتخابات در پیام خود گفت
که: ”مردم نمایندگان را به

سیاسی از طریق انتخابات، امور
دولتی را بدهست
می گیرند، می توان گفت آراء
مردم کمایش در هر
دوره انتخابات، سنجشی برای
عملکرد احزاب است. در موقعیت
که سیاست های احزاب به
دلایل گوآگو ناز ضایتی و
ناخشودی اشاری از جامعه را
فرابه می آورد، همواره
تفییراتی در آراء مشاهده
می شود. نارضایتی اکثریت مردم
گاه موجب افت شدید آراء حزب
حاکم و بالنتیجه دکتر گونی در
ترکیب نمایندگان پارلمان و
تفییر هیئت دولت می شود. در
این کشورها حزبی که رای بیشتر و
کافی را بدست می آورد هیئت
دولت را تشکیل داده و به مدت
معینی اداره امور کشور را
بدست می گیرد.

در رژیم اسلامی که عنوان
جمهوریت را هم یدک می کشد
قضایا و اژگونه است. ظاهرا
مجلس شورا و رژیم اسلامی بعد از
ولی فقیر، رکن اصلی نظام است
که سیاست های دراز مدت و کوتاه
مدت حکومت را بصورت برنامه
پیش سالده و قوانین و مقررات
تدوین می نماید، هیئت وزرا“
پیشنهادی رئیس جمهور را
مورد بررسی و به آنچه ای اعتماد و
یا عدم اعتماد می دهد و در همارد
ضرور ورزرا را با مستیضاح
می کشاند. طبعاً با
چنین عملکردی، دولت میباشیست
خود را با مجلس شورا هماهنگ
سازد. و هر آنچه که دولت نماینده
اکثریت مجلس نیست،

مرحله دوم انتخابات مجلس بگزارشد

یقین از صفحه اول

نتخاباتی شکایتی مجموع نظام را زیر س্লووال نبرند لکه شکایت خود را با مراجعه مسئول مطرح کنند. رسانی هم که در انتخابات شرکت کرده ولی موقوف نشده اند باید بعد از برگزاری مرحله دوم هم چنان برای خدمت هشکشور آماده باشند.^۴

قبل از برگزاری مرحله دوم انتخابات، سران حکومت باز هم تبلیفات و سیعی را برای کشاندن بردم پیای صندوق های رای راه انداختند. هاشمی رفسنجانی از مردم خواست که اگر به شورشان علاقه دارند در انتخابات مرحله دوم شرکت کنند. خانه های هم شرکت در مرحله دوم انتخابات را واجب شرکتی و سیاسی اعلام کرد. اما تراش های رسیده نشانگر ن است که تعداد رای دهنده ایان از دور اول انتخابات نیز کمتر بوده است. عدم شرکت گسترده مردم را باید بارز ترین ویژگی مردم را برای انتخابات مجلس جمهوریه حسابت آورد.

علم کرد که این انتخابات موفق ترین انتخاباتی است که تا حال در جمهوری اسلامی برگزار شده است و اضافه نموده^{۱۰}... مردم متوجه حقیقت قضايا مستند رهیدند که در دور و بر شان چه بیگذرد آنها از شعارهای تو خالی که فقطره روی مشکلات و ناسامانیها نگشتند می‌گذارند خوششان ممی‌آید.^{۱۱} و "بخوص طی شش ماه گذشته حرفاها زیادی در این مینه حتی از طرف دولتان تقلاب مطرح شده است"^{۱۲} فسنجانی تأکید کرد: "... کسی که راه حل سراغ دارد همتر است که از مشکلات و راه حل آن هر دو نام ببرد. اگر هم راه حل ندارد خاموش بماند." مردم خودشان متوجه بیشوند، در فسنجانی در پایان نظر اظهار نداشته باشند.

های مکانیکی مالی خود

سازمان راده انجام وظایفش پاری و سانپد

تصمیم لغو شود و لطفیف صفری
کرسی خودرا در مجلس اشغال
کند.
:: کارگران وابسته به وزارت
مسکن و شهرسازی در شهر مسجد
سلیمان اوخر فروردین ماه در
مقابل فرمانداری تحصین کردند.
دستمزد این کارگران که در
حال ساختمن سازی برای
واحدهای مسکونی ارتشد هستند،
حدود یکماده است که پرداخت
نشده است. کارگران که تصد
وزودیه فرمانداری شهر فروردین
با نیروهای انتظامی و سپاه که
ماهانه ورود آنها بودند درگیر
شدند. این درگیری ها تا ساعت ها
ادامه داشت.
:: در اسفند و فروردین ماه نیز
تظاهرات و درگیری های وسیعی
در تهران و شهرستان هاجریان
داشت. از جمله آنها درگیری
بین آلوک تشین های حومه خرم
آباد و نیروهای انتظامی، اعتراض
بقیه در صفحه ۲

از زندگی
در دنای

卷之三

جهیزیه برای دختربزرگم

از شهرستان آمده بود تا یک
قالی دست بافت زن و بچه اش
روشد و با پول آن دخترش را
سمانی بدهد و باصطلاح روانه
بخت کند. مرد روستایی این
را آنکه از چنگ دلال ها خلاص
رایم تعریف کرد.

امنیت منطقه داشت، علی محمد بشاری قائم مقام وزارت خارجه کو، ناظر تدا کرسنچی هم بود.

سفر حسن حبیبی
به قطر

حیبی حسن گذشته هفته

卷之三

شرکت رفسنجانی در اجلاس سران کشورهای آسیای میانه

خامنه‌ای:
حتی به روی آمریکا
نگاه نمی‌کنیم!

خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی در برابر مسئولین برگزاری مراسم حج به شدت امریکا را مورد حمله قرار داد وی بر انجام مراسم برائت از مشرکین در حج امتنال تاکید کرد و مراسم برائت را یک واجب قطعی و عینی خواند که "روح، معنا، هدف و جهت حج و بالاتر از ارکان حج"^{۴۴} است. خامنه‌ای هدف اصلی مراسم برائت از مشرکین را اعلام تنفر و برائت از امریکا دانست و گفت: مسلمانان باید از امریکای جنایتکار که مظہر کفر و ظلم در جهان است اعلام برائت کنند، وی تاکید کرد: ملت ایران بارزیم امریکا دشمن است و بخاطر گناهان بزرگی که این رژیم پیوسته مرتكب می‌شود از آن تنفر دارد، خامنه‌ای گفت: تا زمانی که ظلم امریکا ادامه دارد ما حتی حاضر نیستیم به روی ای را کار کنیم.

میریکت که سیم
یک روز پیش از سخنان^{۱۰} رهبر
انقلاب^{۱۱} هاشمی رفسنجانی در
سخنانی که در جمع مسئولین
برگزاری حج ایراد کرد از
آنان خواست از آشوب و افتشاش
بپر همیند و آرامش را در هریستان
حفظ کنند، وی گفت باگر بناست
برایش از مشرکین شود
باید تدبیری اندیشید که سایر
اهداف حج تحت تاثیر قرار نگیرد،
او علیه افراط و تغیریطه شدار دادو
ضمن بر شمردن مشکلات
مسلمانان جهان گفت: ما قصد
مزاحمت نداریم، بلکه مسلمانان
مشکل دارند و باید راه حلی یافته.
سخنان تندو تیز خامنه‌ای را
باید بیشتریک سخنرانی تبلیغاتی
دانست که برای آرامکردن
نیروهای تندرو که از شکست
در انتخابات سخت برآشته‌اند،
ایراد شده‌انست. آنچه که واقعی
است، نه اجرای توصیه‌های^{۱۲} رهبر
انقلاب^{۱۳} در مراسم
حج بلکه سیاست‌هايی است که
رئیس جمهور اسلامی برآنان
انگشت زجاج و خواهان اجرایشان

برگزاری پنجمین نمایشگاه کتاب



اسلامی تشکیل میدهد، فستجانی در مراسم افتتاح نمایشگاه شرکت کرد و نمایشگاه پنجم را یک اندام سودمند خواند.
خامنه‌ای نیز در یک بازدید ۵ ساعته‌ارز فرهنگی متعلق به ناشران ایرانی و ممچنین کشورهای مسلمان و هریتی دیدار نمود. پنجمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب ازسوی وزارت ارشاد تشکیل شده است.

پنجمین نمایشگاه بین المللی ب، هفته گذشته در محل نمایشگاهها در ران گشاپیش یافت. در این یکشنبه ۵۶۵ ناشر از ۳۳۷ کشور ایران شرکت کرده و ۴۷ هزار ران کتاب را ارایه کرده‌اند. در یکشنبه امسال برای نخستین بار وهمی از ناشرین کشورهای اسلامی اتحاد شوروی پیشین از کتاب‌های ارائه شده، از

افزایش بی سابقه قیمت ارز

۲۰ مقتنه پس از برگزاری مرحله انتخابات، قیمت ارز در بازار د ایران به طور بسیارهای رایش یافت و نرخ دلار به ترتیب مقداری طی سالهای بعد انقلاب رسید. نرخ میادله ارز در اوازآرد در تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۸ روزت زیرگزارش شد: یک دلار ریال ۱۴۸ تا ۱۴۹ تومان (۳۵) افزایش نسبت به مقتنه ماقبل (پوند انگلیس ۲۶۵ تا ۲۶۵ تومان، یکمارک آلمان ۸/۵ تا ۹ تومان و یک فرانک فرانسه ۲۶/۴ تا ۲۷ تومان).

۱۰ دادگستری

کوچ دست‌جمعی
روستائیان

دولت جمیع اسلامی قراردادی به ارزش یک میلیارد و ۲۵۵ میلیون دلار جهت ایجاد یک نیروگاه آبی در جنوب قربی ایران، با شرکت‌های خارجی به امضا رساند. مطابق این قرارداد، کنسرسیونی مرکب از شرکت‌های آلمانی، اتریشی، برزیلی و سوئیسی این نیروگاه را که «کاوان^۳» نام دارد با پژوهنیستی معادل ۲ هزار مگاوات جدات خواهدکرد. گفته‌هی شود این نیروگاه که قرار است طرف مدت عیال تکمیل شود، به یکی از بزرگترین نیروگاه‌های آبی جهان تبدیل خواهدشد.

مانو، مشترک اور تشریف سیام

ای را ۱۵
ای را ۱۴
ای را ۱۳
ای را ۱۲
ای را ۱۱
ای را ۱۰
ای را ۹
ای را ۸
ای را ۷
ای را ۶
ای را ۵
ای را ۴
ای را ۳
ای را ۲
ای را ۱

به نوشته روزنامه ابرار،
اهالی روستای «حصار قره بافی»^{۱۰}
واقع در ۳۳ کیلومتری شهر بهار
در استان همدان بطور دسته
جمعی از روستای خود به شهر
همدان کوچ کرده‌اند، این روستا
۱۴۵۰ نفر جمیعت داشته است.^{۱۱}
مطابق نوشته ابرار، هلت این کوچ
دسته جمیعی و بی سابقه بود
امکانات رفاهی از جمله درمانگاه،
حمام و مخابرات و شووع
بیماریهای واگیر در روستا
بوده است.^{۱۲}

مانور ۱۱ روزه در یاری
پیروزی اسلامی مسلح جمهوری اسلامی
گفتگه گذشته به پایان رسید. این
مانور که با نام "پیروزی ۳" و
بر منطقه تیکه هر مز
بلیه "دشمین قرضی"
صورت گرفت، یکی از
مسترده‌ترین مانورهای مشترک
ین ارتش و سپاه پاسداران به
حساب می‌آید. بنا به گزارش
خبرگزاری جمهوری اسلامی
نیازان نفر از پرسنل ارتش و
سپاه همراه با دھما فروند کشتی
او شک انداز،

تبدیل میکنند. مدافعان این طرز تغیر که در مبارزه آن ها همچنین بین و جمهولی مبارزه با جنبه ایجابی آن وجود ندارد، بدام به این تحریره انقلاب ناشاره میکنند که فکر و عمل ایوزیسیون در استانه انقلاب یعنی بطور یک بعدی متوجه سلب قدرت از رژیم شاه شد و موضوع جایگزینی قدرت و نفوذ جایگزینی آن به موضوع فرهنگی مبدل گردید. اما آنها در هشدار برای اجتناب از تجربه قبلی، متساقنه باز با همان متد قبلی فقط به یک جهت مسلله توجه و عمل میکنندو اینباره سلب قدرت را از قلم می اندازند و

حق‌چوگانگی تغییرات تدریجی در قدرت حاکم رابر جسته میکنند. حال آنکه اگر شیوه برخورد قبلی ایوزیسیون، در عمل به استقرار رژیم مستبد در کشور کمک کرد، حاصل شیوه برخورد پیشنهادی مدافعان خطمنشی مزبور، علاوه بر استمرار حاکمیت همین رژیم چیز دیگری نیست. آیا این میتواندصادنی باشد که فرخ در آخرین تصحیحاتی که در سند پیشنهادی اش به کنتره دول سازمان وارد نموده، متد استقرار حکومت جمهوری را حذف کرد؟

استراتژی پیشنهادی این خطمتشی متوجه تحقق انتخابات آزاد بوسیله خود رژیم و از طریق مذاکره با آن حل موضوع در "بالا" است. اما از آنجاکه فرخ به حل موضوع بوسیله رژیم اطمینان کامل ندارد، با افزودن متممی به فرمولندی پیشنهادی اش، "جمع توافق یا مصالحه ملی" متنکی به فشار از پائین راهم بعنوان وسیله نهایی مطرح میکند. اگر چه روش نمیکند که موضوع این جمع توافق نسبت به سلب قدرت از رژیم که حاضر به برگزاری انتخابات نیست، چگونه است؟

استراتژی این خط متممی به فرمولندی پیشنهادی اش، برای مذاکره با رژیم خلاصه میشود و بعیوچوجه هم تصادفی نیست که متمم های مطروح در این خطمتشی، اینچنین گفت و مبهم میباشد. این نیز کاملاً تابل فهم است که چرا این خطمتشی مخالفت خود با تکفیل "ججه و سیع" بمنایه‌التر ناتیو رژیم را با "پارادوکس" نمایندن آن نشان میدهد و برای "وادراساختن حکومت به پذیرش نوعی از مصالحة یاتا توافق با مخالفان" "همیت کلیدی" قایل است. نکاه این خطمتشی اگر هم نشویم تمام، میتوان گفت که اساساً متوجه حکومت است.

بازهم به ممان سووال قبلی بر میگردم و می‌پرسم چرا و به چه انگیزه‌ای، فرخ در آخرین پیشنهادی کنکره دوم، ببارت سیار پر اهمیت مدد جمهوری و مبارزه در راه استقرار جمهوری در ایران را از سندخود حذف کرد؟ من میدانم که او طرفدار جمهوری و دموکراتیک ریزیم است و میدانم که ممکنست بگوید وقتی به جمله‌ای چون "بابا نظام‌های سلطنتی، جمهوری اسلامی، جمهوری دموکراتیک خلق مخالفم و این نظام‌ها را بنا بر آنچه که تاکنون بوده‌اند بغاای بادمودر ای این میدانم" در سند سیاسی مورد دفاع خود را داده است، پس به خودی خودروش و بدینه است که او طرفدار جمهوری است. اما چه کسی میتواند از او قبول کندکه فقط بخاطر بیدهی بودن موضوع، جمله "مبارزه در راه استقرار جمهوری در ایران" را از سند سیاسی خودش حذف کرده است؟ او که جایجا به همه توکیه میکند در زبان سیاسی جدید، بجا بر خور دسلی باید بزبان اثباتی سخن گفت، منطقاً خودنیز و قتی به اینجا میرسانید از برخور دایجایی طفره برودو زبان غیر مستقیم را بکار گیرد.

فرخ فرد سیاسی پخته است و خوب میداند که در یک سند سیاسی مهم، هر کلمه و جمله معنای سیاسی خاص خود را دارد، آنهم وقتی که صحبت از اصلی ترین هنر یک خطمتشی سیاسی، یعنی هدف آن در میان است. بعلاوه و قتی در همان جمله بالاگفته میشود که "این نظام‌ها را بنا بر آنچه که تاکنون بوده‌اند بغاای با دموکراسی" میدانو در همانحال هم هدف استقرار جمهوری را حذف مینماید، معلوم میگردد که این خط مشی اساساً مذاکره و تفاهم با رژیم را تعقیب میکند. زیرا، متوجه است که تصریح اینکه استقرار جمهوری بجای رژیم کنونی هدف است، با طرح موضوع مذاکره بارزیم و او امر کاملاً مانعه الجمع هستند. زیرا، مخالفت آن با جمهوری اسلامی تا آنچه است که "تاکنون بوده است" و "لذالین مخالفت میتواند جای خود را بگیرد. ریزیم، موافقت رژیم و میر ترین وظیه، برگزاری انتخابات آزاد و

مقابله پیرامون خط مشی سیاسی و

وظایف روز" در توضیح هدف خطمتشی سیاسی،

ضمن مخالفت با مر نوع هدف ناظر بر نفی رژیم موجود، می‌گوید: "همترین و

نهادی کردن آن است".

این مقاله در رابطه با استراتژی و بدیگر سخن

نحوه تحقیق این وظیفه و هدف می‌گوید: "این به

مرجح ترین و سیله یعنی بوسیله خود این رژیم و اگر

چنین نشد تو سطیک" "جمع توافق یا مصالحه ملی" که با تابکه فشار از پایین تشکیل می‌شود".

مقاله پیرامون خط مشی سیاسی و

تشکیل شونده مطروح گفته شد. در حقیقت به

پیشگیری از مخالفت با اینها می‌گذرد. از این

مشخص و نبود امکانات و ایزار ضرور برای

سیاستی تأثیرگذار شویشان می‌گردد. و نیز در

از اینهای می‌گذرد که مخالفت با اینها می‌گردد.

مقاله می‌گوید: "می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

اعلام می‌گیرد. این می‌تواند تا آنکه بتوان

کشور را از مخالفت با اینها بآزادی و

خبرها و نظرها

عمل ضد دموکراتیک کردستان عراق

آخر اطلاعیه‌ای از سوی

اتحادیه کمونیست‌های ایران

(سربداران) در رابطه با حمله

حزب سوسیالیست کردستان

عراق به مقر و استگاه رادیویی

این اتحادیه مادر شده و نسخه‌ای

از آن جمعت آگاهی سازمان ما از

واقعه مزبور بمنظور اعتراض به

این اندام فرستاده شده است، در

این اطلاعیه‌ای مده است:

...در ششم ماه فوریه ۱۹۹۲

گروهی بنام "حزب سوسیالیست

کردستان" (حسک) که عضو

"جبهه کردستانی" در عراق

میباشد در شعر رانیه

(کردستان عراق) به عنوان

کمونیست‌های ایران (سربداران)

حمله کرد طی این عمل ضد خلقی

افراد "حسک" رفاقتی حاضر در

محل نجات اسلامی از طرف دیگر

چاریک اشتباہ اساسی شدند.

...امن نشانه بازی از

ذهنیت و تکریک ها بود که آزادی از

استقرار دمکراسی میزان قدرت

خود و جبهه آزادی بخش ملی در

زماداران نبود تا با استعفای

رئیس جمهور و بدست گرفتن

قدرت توسطگروه دیگری به کلی

متوقف شود کوادتی تواند روند

مردم می‌باشد این راه اگر چه

طولانی تر ولی از هر راه حلی

مطمئن تر است و الجزایر نیز از

این قاعده مستثنی نیست.

همه نیروهای موثره اندوزی کافی

از اد شدند اما "حسک" کماکان

بر سیاست فصب اموال و دستگاه

رادیوپخشاری میکند.

در شرایط کنونی این عمل

می‌تواندیک بدهت گذاری

خطرناک بشود و می‌تواند

پیش درآمدی برافتشارات و

برخوردهای درونی بسیار مخرب

در جنگ کردستان باشد.

اعلامیه مشترک درباره تحریم انتخابات فرمایشی

سازمان چریکهای فدایی خلق

ایران، سازمان فدایی - ایران و

سازمان کارگران - انتقلابی

ایران (راه کارگر) در استانه

انتخابات چهارمین دوره مجلس

شورای اسلامی اعلامیه مشترکی

مادر کردند که قسمتعایی از آن

آمده است.

"مردم بیش از پیش در

اسلامی انتخابات فرمایشی بوده

و در گیری جناحها که اینک شدت

گرفته قطبسر بردن سهم بیشتر

در قدرت و از این طریق حفظ و

نیروهای افراطی از مر مؤله ای

که می خواهند باشند تعادل جامعه

را بعزم نزند.

هر کس به استقلال و تمامیت و

وحدت ایران و دموکراسی و

حقوق بشر و جدائی دین از

خدو تغیری می‌داند.

من توجه کامل و

برخی از معتقدین شما می‌گویند

شمبا با فاصله گرفتن از گذشته،

مشروعت خود را زیر پرسش

می‌گویند: ...

اینست که من نمی خواهم مانند

پدر بزرگ یا پدرم رفتار کنم این

امر جای بحث ندارد، من نه

می خواهم و نه می توامن مانند آنها

باشم، آنها مدل دوره های دیگری

بودند، بر اثر اقدامات آنها جامعه

ایرانی همیغا دگرگون شد، آنچه

مسلم شده این است که دیگر در

این جامعه نمی توامن مانند گذشته

رفتار کرد، خود آنها هم اگر به

از قرون وسطی به قرن بیست و

یکم برساند مورد مشروطه خواهان

است، در میان مشروطه خواهان

عقادی هستند، در میان جمهوری

پیشینان خود مستم، به دست اورده

خواهان هم به آنها دبرخورده اند،

در پاسخ به این سوال که چرا

صریحاً نمی گویند می خواهید

پادشاه شویدم گوید:

من روز ۹ آبان ۱۳۵۹

را در چهار چوب تاریخی

گفتم که آماده ام و نهایشی را تحریم

کرد و از شکست در آن اجتناب

و اتفاقی است، ما تمامی مردم و

کلیه نیروهای آزادخواه و مترقبی

را دعوت می کنیم که، این

نتیجه انتخابات قلبی و نهایشی را تحریم

سلطنی را در چهار چوب قانون

اساسی مشروطیت ایران

نهضت آزادی باولین تجربه الجزایر بانتخابات آزاد

از برنامه مصوب کنگره قاسملو

در سیاهی بسیار ارزشمندی برای
مبارزان راه آزادی و استقلال در
برداشت است.

...اگر چه دوران نکبت بار
دیکتاتوری سیاه خاندان پهلوی
همه طبقات و اقسام مردم ایران را
بر ضد رژیم محمد رضا شاه متخد

نموده بود، اما متأسفانه به دلیل
اینکه نیروهای دمکراتیک و
انقلابی ایران برایه مشترکی
جهت سیستم حکومتی بعد از

رژیم سلطنتی نداشتند و از
آنچاییکه هیچ یک از نیروهای ملی
ایران به شنبه ایوان گردآوری
توکدهای وسیع مردم ایران بدور

خود و امکان بدست گرفتن قدرت
سیاسی در کشور را نداشت،
کروهی آخوند کوتاه و بدبختی بسیار
و پیشتر با سوء استفاده از

احساسات مذهبی می‌کرد.
دستاوردهای انقلاب و شمره خون
و اشک فرزندان خلقه ایران را
به تاریخ بردن و سلطنه انصار
طلبهای خویش را بر کشورهای

تحمیل نمودند.

در نتیجه این اوضاع انقلاب
ایران ناکام ماند و نتوانست
میچیک از اهداف و انتظارات
توکدهای مردم ایران را برآورده
سازد.

...حزب دمکرات کردستان
ایران بر این باور است که برای
رهایی ایران از زیر بار طلم و ستم
و دیکتاتوری ضروری است به
چای رژیم ارتقا و ضد خلقی

آخوندی یک سیستم حکومتی
دمکراتیک مستقر شود که آرمانهای
از میانهای بر حق مردم ایران را به
تحقیق رساند. حزب بازی می‌کند

که پس از زوال رژیم آخوندی لازم
است به مردم ایران امکان آن
داده شود که آزادانه سیستم

جمهوری دلخواه خود را انتخاب
نمایند و مجلس موسسان را برای
تدوین قانون اساسی جمهوری
جدید تشکیل دهند.

برای نیل به آرمانهای
اساسی خلق کرد که استقرار
خودنمایانی در چهار چوب یک

نظام دمکراتیک است، حزب
دمکرات کردستان ایران اتحاد
نیروهای ایرانیکی نشود و

دستاوردهای آن به یغما نزد
ضروری است از هم اکنون
نیروهای سیاسی و اقتصادی و

ترقیخواه راستین ایران بر سر
یک برنامه مشترک برای آینده
کشور متفق شوند و در یک جبهه
متحدگرد هم آیند.

برای تحقیق این اتحاد، حزب ما
هم علیه شوینیزیم ایرانی که منتر
وجود خلق کرد است و هم علیه
تاسیونالیزم ایران بر این

بین دیکتاتوری مرکزی و مردم
ایران فرق نمی گذارد مبارزه
می کند.

...شعار استراتژیک حزب ما
(دمکراتیک برای ایران و خود
نمایند)، مختاری برای کردستان) به شعار
اساسی مردم کردستان تبدیل

شده است و نیز از آن پشتیبانی
سراسری ایران نیز از آن پشتیبانی

می نمایند. حزب دمکرات کردستان
ایران آرمانهای خود را در این
برنامه گنجانده است. تحقق
بخشیدن به این آرمانها به عهد

کشور می تواند خود مختار کردستان
است که در چهار چوب کشور
ایران استقرار حواهیدیافت.

قوی و منسجم نشده باشد.

چهار چوب مردم ایران کردستان
ایران در پی برگزاری کنگره قاسملو
خود موسوم به کنگره قاسملو
استاد مصوب این کنگره را انتخاب
داده است در پیشگفتار بر نامه
مصوب این کنگره آمده است:

ایران در دوران بعداز جنگ
اجتماعی ایلان انتخاباتی اجراء
باشد. این انتخاباتی ایلان
دموکراتیک و شرایطی ایلان

ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان
دموکراتیک و شرایطی ایلان
ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان

ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان
دموکراتیک و شرایطی ایلان
ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان

ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان
دموکراتیک و شرایطی ایلان
ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان

ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان
دموکراتیک و شرایطی ایلان
ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان

ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان
دموکراتیک و شرایطی ایلان
ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان

ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان
دموکراتیک و شرایطی ایلان
ایرانی ایلان انتخاباتی ایلان

کنگره حزب توده: "وحدت" بر ضد دموکراسی

مودی

بِهْنَاسِبْت سالگرد درگذشت طبری بیژن اقدسی

داشتند از یک سو و اباظلی
نه فشارهای وارده طبری پیر را
ادار به بیانشان کرده بود از
میوی دیگر، مثال روش این
لفقیح "کثر اهه" است. به
یکر سخن آثار و بیانات زندان
طبری آمیزه‌ای هستند از راست و
روغ. در حالی که آثار و بیانات
بیل از دوره زندان وی را
کی توان به دو بخش تقسیم کرد؛
خش اول آموزگار حقایق سیار و
تصویر
کاریگر
ورنایی امیدبخش و بخش دوم
ظییر میراث زندان طبری.

صرف نظر از بحث پیرامون رژیم میراث طبری، خود وی از نظر شخصیتی قطب نوید، شخصیت وی نیز آمیزه‌های بود از تنافر نیک و بد، از ضعف و قوت، حقیقت این است که طبری دارای شخصیتی ضعیف بود، این ضعف شخصیت از جمله عوامل ساخت دیرپای طبری محسوب شد. این ضعف عامل آن بوده است که طبری سال‌ها سختانی گرفته و نوشته که به آنها یمان نداشته است. این ضعف و یعنی مومن نبودن عامل ساسی "شکستن" طبری در ندان جمهوری اسلامی نیز بود.

آن هایی که شکنجه شده اند
کسی دانند که اغلب این نه ضعف
جسمی، بلکه ضعف باور است که
نخر به "شکستن" ^۲، کسی
کسی شود، من کسی را که به جمیت
ضعف جسمی ^۳ می شکند
حکوم نیز کنم. آن نیز که به
خاطر ضعف ایمان ^۴ می شکند
"شکستن" ^۵

حکوم نیست. (متهم آن
بروهای استبدادی مستندکه با
رنیتی انسان‌ها را برای تغییر
حقوق انسان به صلاحیت کشند).
چه ناپسند است؟ اسارت درون
اسران است، اسارت «خود» است.

خطای زندگی طبیری در
وران قبل از زندان اوست. در آن
وران که میتوانست دروغ را به
است نیامیزد و آمیخت؛
میتوانست حقایق را بیان کند ولی
آنها را کتمان کرده‌می‌توانست
کلکار شر آشکار ساز داده‌ام آنها را
بایان نمود. آن سیستم حریبی ای
طبیری در آن قرار داشت بر
قاومت رو این طبیری ف غالب آمد و
نار است گفت.

باتمام اینهاوی در خت تناور
ستان فرهنگ و اجتماع مان بوده،
ختی که در جامعه مشخص مابه
دگی ها حاصل نمی آید، او
طنش رادوست داشت و خواهان
نهاده ای روشن برای آن بود، در
آن کوشید، پسیار نگاشت و
باخش و اعتلا دهنده فرهنگ
طنش بود. مطالعه "برخی
رسی ها در باره جهان بینی ها و
بیش های اجتماعی در ایران" ،
یادداشت های فلسفی
اجتماعی" و سایر آثار گرانقدر
بری، آهی راز رجوع مجددیه
منون بی نیازنمی دارد، او
در تصویر دورنمایی امیدبخش
د، احسان طبری بخشی از
هنگ و ادب و شعور اجتماعی
بست، طبری رانمی توان کشتة
ی توان دفن کرد.

روز ۹ اردیبهشت ماه سال
۱۳۶۸ اندیشمندبر جسته ایران
در سن ۷۲ سالگی در بیمارستانی
در تهران دریده از
جهان فروپست. طبیعی عسال آخر
عمر خود را در زندان های رژیم
جمهوری اسلامی و تحت فشار های
شدید جسمی و روحی
گذراند؛ فشار هایی که منجر به
او لین سکته مغزی و سومین
سکته قلبی وی شدند. چند هفته
قبل از مرگ او را به خاطر و ضعیت
بحرانی جسمیش از زندان به
بیمارستان منتقل کردند.
بیمارستانی که آخرین منظر
دیدگان این فرزانه زجر دیده
میگنند بود.

احسان طبری از سینه نوجوانی
ده صفت مبارزین خدستم پیوست.
که از فعالیت هسته اولیه جنبش
نمودنیستی ایران در دوره رضا
شاه بود، در زمرة پیاران ارانتی
و آن زمان شد، پس از آزادی از
نداز در سال ۱۳۴۵ در
نیانگذاری حزب توده ایران
تشکیل گشت و تاریخ دستگیری در
ردیبهشت ماه سال ۱۳۶۲
ممواهه در کادر رهبری این
حزب جای داشت.

طبری متفکری بر جسته بود.
رأی اذعان به تبحر طبری نیازی
نه فور در نظر صاحب نظران و
عاقصینش نیست. تنها نگاهی
منصفانه به میراث ارزشمندی که
ای طی بیش از ۴۱ سال فعالیت
خود در زمینه های سیاسی
و اجتماعی، فلسفی، هنری و
اریخی، فرهنگی، سیاسی،
دای میهنخواه سادگان

نداشت، بسته می‌کند.

اما زندگی و شخصیت طبری
بنهای دیگری نیزداشت و آن
سارت وی بود. دوره این
سارت تنها به عساک آخر عمر وی
حدود نبود، شاید نتوان (و واقعاً
نمی توان) ساله های ایام

طبری را دقت بخشید، لیکن
من اسارت به یقین بیش از عرسال
خر همراه وی را دربر می‌گیرد.
حسان طبری پیش از آنقدر
تنهای شکجه گران جمهوری
سلامی اسیر افتاده، سال‌ها و سال‌ها
سیر جزم گرایی خوبی بود. آنچه
ه طبری، اندیشه‌مند بر جسته
حقوق تواثر ابهه مجری ناتوان و
بیدگر سیاست‌های بیگانه و دیگر
حتی به نافی استقادات خود بدل

رده بوده، آنچه نه صبری
ادیخواه و عدالت جو را به
تعتمان گر و وارونه نهای
تعقیت های داخلی و
نهانی تبدیل کرده بوده آنچه که
بیری را و اداره می ساخت از بیان
رمای واقعیت ها و حقایق پر همیز

در سال ۶۲ طبری در چندال
یعنی مستبدگر فتار آمد و در بند،
خانانی بر زبان آورده که تا آن
میان میچگاه نگفته بود. یک نکته
هم این است که طبری و ادار
بیان این سخنان شد و اجبار
بلطفه دل نمی شنید. ولی
تعقیت این است که نوشته ها و
نکته های طبری در زندان تلفیقی
نمی باشد از واقعیت های کتمان شده و
کار و اعتقادات بیان نشده ای که
در نهانخانه خاطر طبری

همل، دموکراسی را ضد وحدت می‌یابد! از اینرو، باز تولید وحدت در این سیستم از طریق حذف مخالفان بگونه مستمر و پایان ناپذیر جریان پیدا می‌کند. این اندیشه بسته، بنا به شاهیت خود نیست و لذابخرا در خود را به عواملی خارج از خود وغیر خودی نسبت میدهد و علاج بخران را در حذف معلول‌های بخران می‌شناسد. این اندیشه که نمی‌خواهد پذیرید عامل بخران او هماناً م وجود دارد و استمرار جیات آنست، مکوم به زیست دائمی در بخران است، بزنگی دایماً بحرانی حزب توده در دهسال‌اخیر، نمونه روشنی از بخران اندیشه استبدادی است. رهبران کهنه‌اندیش این حزب که وحدت حزب و خود حزب را از آنرو می‌خواهند که خود را میخواهند، بر پارگوهی محافظ و مقتضی را از حزب بیرون ریخته‌اندو ادعا کرده‌اند که حزب بر بخران شلیه کرده ولی خیلی زود معلوم شده که بخران است که بر حزب شلیه کرده و اشتراک نظرها تناوت نظرها و اشتراک نظرها باز تولید نکردد وحدت نیست بلکه سختی است که مجبور است صرف از درون خود تفذیه کنند و مدام تحلیل برود وحدت در گفتار و تفره افکنی در کردار، مشخصه اصلی حزب توده بویژه در دهسال گذشته بوده است چیز نگاهی به وحدت نیروی تامین اتحاد عام در جامعه هم نمی‌تواند باشد. تصادفی نیست که حزب توده پیش از هرجیریان دیگر از اتحاد دم زده ولی پیش از هر جریان سیاسی در رسیدن به این هدف ناکام مانده است.

تفکر استبدادی، پامیتدافع کنده است. این اندیشه طرفیت جذب راندارد. آنکه ر خود درون خود ابیانکند و از بیچ توطنده و سرکوب برای امین "زلالی" درون باز یستد، نمی‌تواند بافیر خود راه تحداد را پیماید و ادعا همراهی مادقاته با دیگران را داشته شد. اندیشه ای که دموکراسی ا در درون همنظران و شترک المدفدها رعایت نمی‌کند شمشیر آخته استبداد را بر بالای شانه وحدت می‌اویزد، بیچ سان بیتواند برای همسایگان و بروان شانه‌ای ها حق آزادی قابل باشد. ادی و دموکراسی تقسیم پذیراست. آنرا نمی‌توان به رون و بیرون تقسیم کرد. عای دموکراسی از سوی پردموکرات را کسی جدی بیکرید و بر هکس برآن می‌شود تا این ریاکاری و دوگانگی فاصله نمیرد. بی اعتمادی به حزب قبل از رچیز در این امر ریشه دارد.

بسیار گفته شده و می‌شود که شخصه اصلی حزب توده بستگی آن بوده است. اثرا موش می‌شود که این، هماناً کراستبدادی و فضای بقیه در صفحه ۱

تصویب اساسنامه و بر نامه جدید حزب به اختلاف آراء نشانه بارز وحدت اراده و عمل حزب... به شمار می‌رود؟" صرفاً به خاطر تجمیق آنها نیست، بلکه در همین حال و قدمت‌ها تهدیدی است علیه هر کسی که روزی و روزگاری قصد داشته باشد این "صدر صد" را مخدوش کند.

در این "کنگره" نه تنها به خطاهای عظیم رهبری حزب در ۴۵ سال گذشته پرداخته نشد بلکه از "راه و سنت پیر" افتخار رفاقتی کمیته مرکزی قلبی^{۱۰} سخن‌ها رفت و اسناد با عبارات آشنای "صحت ارزیابی"ها و "پیش‌بینی‌ها و هشدارهای به موقع"^{۱۱} رهبری کنونی حزب آراسته شد.

برخورد "کنگره"^{۱۲} با مملکرد رهبری حزب در دهسال گذشته در این خلاصه شد که: "اما معتقد‌یم که طی این سال‌ها اشتباهاتی بوده و باید از آنها در گرفت".^{۱۳} سندکارپایه محبوب سومین کنگره بی‌آنکه توضیح بدهد این "اشتباهات"^{۱۴} کدامند، بلطفه‌پس از جمله مذکور می‌افزاید: "ولی آنچه که ما می‌توانیم با افتخار بر آن چیزی تغییر نکرده است، دقتاً و مطلقاً هیچ تغییری صورت گرفته است، اندیشه‌ها من اندیشه‌ی دشمنان مبنی بر انحلال حزب توده ایران است"^{۱۵} در "کنگره"^{۱۶} علت داشتن و به اینکه "تا بد توده" ای باقی خواهند ماند^{۱۷} پایین‌نمایانده‌اند براستی که هیچ چیزی تغییر نکرده است، دقتاً و مطلقاً هیچ تغییری صورت گرفته است، اندیشه‌ها من اندیشه‌ی تامغراستخوان مستبدانه‌ای است که هم‌از یک حضو انتظار دارد^{۱۸} تا بد توده‌ای باقی بماند^{۱۹}، همواره اصل "صد در صد"^{۲۰} را عیایت کند و ز مخالفت و امتناع پر هیبت نماید! یعنی اندیشه، در اسناد و کاشفها رای اقلیت حق حیات تایل است، ما در عمل از آنجا که ن را "جاه طلب"^{۲۱}، "مقام پرست"^{۲۲} و "عامل داخلاً"^{۲۳} لقی می‌کنند، آن را مستوجب مجازات تا حد نابودی ریشه‌کنی می‌دانند.

چگونه است که آنها یکیه ز حزب پیرون می‌زنند چنان‌علیه هیران حزب خشمگین اندکه عتی بدترین ناسزاها را هم برای یان همه احساسات و ادراکات خود نسبت به آنها کافی می‌دانند، ولی آنها یکم هنوز رچارچوب محصورند و هنوز و بوط طغیانشان و متعاقب آن خراج از حزب فرانرسیده است، متى از کل نارکتر به هیران نمی‌گویند؟

عاده فهم ترین پاسخ فقط بنی میتواند باشد که نبود حد معتدل از همارض ناگزیر و از زمامات ذاتی دیکتاتوری است. در دیکتاتوریها، معمولاً ول مخالفت به میان می‌آید و بعد مکرات شدن همین مخالفان!

دیشه‌حاکم بر حزب توده، موکراسی رادیکتاتوری تشرییت میداندکه محق و وظف است تا اقلیت را طرد و برکوب کند و از اینظرین راروئی اکثریت به "اتفاق" را تأمین نماید. این اندیشه، مل را وحدت میداند و نتیجه‌تا در

قابل توجهی پس از آن، با رای صدر صنایع‌گان شرکت کننده در کنگره، به عنوان چراغ راهنمای عمل حزب به تصویب رسید.^{۱۰} و مقاله «طلوعی دیگر»^{۱۱} مندرج در نامه مردم‌مورخه ۲۹ بهمن سال ۷۵ در توصیف همین موضوع می‌گوید: «طرح برنامه با اکثریت صدر صد آرا و بدون رای مخالف یا ممتنع به تصویب می‌رسد.^{۱۲}

در دوره‌ای به لحاظ تحولات ذهنی، اینچنین طوفانی حتی یک نفر در این اجتماع حزبی، قعود نکرده و نسبت به برنامه حزب واپساده مورد اساسنامه نظر متفق ارائه نداده است، حتی یک نفر هم نبوده که حداقل، ممتنع باشد!

حالبست که اکثریت قاطعه مهم انتها که در هفت سال گذشته مجبور به جدایی از حزب شده‌اند و یا از حزب رانده و اخراج شده‌اند به محض اینکه خود را در خارج حزب یافته‌اند، نه فقط پرچم دموکراتی را بر افزاشته‌اند بلکه مخالف برنامه حزب از آن درآمده‌اند! همواره چنین بوده که اختلافات اول در منشورهای توضیح داده شده‌است، سپس در روش‌ها و آنگاه در بینش‌ها! حال آنکه بین اینها دیوار چین وجود ندارد، مگر دیوار بلند حاشا که حفاظه‌مناسبی برای هوامفریان است، روش دیکتاتوری تصویب برنامه، لازمه و جزیی ازیک برنامه دیکتاتوری است، برname دارای روح و مضمون دموکراتیک، و برنامه‌ای که تحریر کنندگان و رای دهنده‌گان واقعاً به آن باور داشته باشند، نیازی تمثیل فیر دمکراتیک ندارد.

«اتفاق آراء»^{۱۳} در تصویب برنامه و اساسنامه یادگار استالیان دیکتاتور و هنرمند و همی کشاند و مجبور شان می‌کند تا بگویند این برنامه برای "دوران قابل توجهی"^{۱۴} تحریر شده است و از "رأی صدر صد"^{۱۵} برخوردار است، این اشخاص اگر شرط صداقت را ملحوظ می‌داشته‌ند، نمی‌باشندی در استادشان این همه بد و بیراه نثار استالیان می‌کردند. از استالیان فقط کسانی حق انتقاد دارند که در ذکر و عمل با متدھای استالیان مخالف باشند.

رهبران حزب از رو دیگر کردن ببارت "دوران قابل توجهی"^{۱۶} و موضوع "رأی صدر صد"^{۱۷} اهداف معینی را تعقیب می‌کنند. یک منظور آنست که اگر حتی در "دوران"^{۱۸} فیر "قابل توجه"^{۱۹} بعدی یعنی مثلث در همین یکی دو سال آینده، از این "صد در صد"^{۲۰} سی، چهل، پنجاه و حتی تودر صد هم کاسته شود- امری که مشابه آن در تاریخ حزب بارها پیش آمده و در تاریخ دهسال اخیر مشخصه‌اصلی حیات آن بوده است- باز از آنچه صدری و معاون صدری پاسدار حزب و وحدت حزب مستند، این "صدر صد"^{۲۱} تاریخی، اعتبار خود را حفظ می‌کند، یگانه ملاک حریبت محسوب می‌گردد، و رهبری هم همواره قانونیت دارد.

بعلاوه، تاکید براین "صد در صد"^{۲۲}، آنکه که در پیام کنگره خطاب به اینجا و هوداران حزب گفته می‌شود: "برگزاری کنگره به صورت کاملاً دموکراتیک"^{۲۳} و غیره

دروپسین ماههای حکومت حزب وطن افغانستان

امکانات آموزشی و فرهنگی دارند، در لوس آنجلس، خشم ها تگران فروشگاهها بیشتر متوجه کرده اند و سایر اقلیت های ملی بود که بخش بزرگی از خرد رفروشی را در شهرهای امریکا به معنی دارند، در حالی که ساکنان بورلی هیلز از کاخ های خود در تپه های شمال لوس آنجلس باو هشت به پائین می نگریستند، غارتگران مغازه های بدون اینکه لحظه ای سر خود را برگردانند و به بورلی هیلز بگردند، کاسب های کره ای رایه خاک سیاه می نشانندند، البته آنها اگر به جای دزدیدن دستگاه های ویدئو از مغازه های زر دپوستان، به بورلی هیلز حمله می برند، شورش لوس آنجلس همین قدر کور باقی می ماند، اما جستجوی ریشه بدینختی در کسب و کار موقیت آمیز این یا آن مغازه دار خرد پاء شانگر آن است که شورش فقرای لوس آنجلس تاچه حد از یک مبارزه آگاهانه طبقاتی به دور است، واکنش جرج بوش در قبال ناآرامی های لوس آنجلس این بود که ضمن "ابزار تاسف" از صدور حکم برائت ماموران پلیس، خواهان برقراری "نظم آرامش" شد و بدین منظور، هزاران نظامی به لوس آنجلس گسل داشت این نخستین بار نیست که جمهوری خواهان امریکا از ناآرامی های نژادی برای تأکید بر تعهد خود نسبت به "نظم و قانون" آن هم در آستانه انتخابات، پیر میگیرند، در سال ۱۹۶۹ ریچارد نیکسون کاندیدای حزب جمهوری خواهان با همین حربه و بزمینه فضای روانی ایجاد شده پس از درگیری های نژادی دمه ۵۶ به ریاست جمهوری رسید، بیل کلینتون فرماندار ایالت آر کانزاس که به احتمال قوی کاندیدای حزب دمکرات در انتخابات ریاست جمهوری امسال خواهد بود، طی نطقی بوش را در مرد مورد ناآرامی های لوس آنجلس مسئول دانست، کلینتون گفت بوشو حزب جمهوری خواه می خواهند با استفاده از تگرانی های شهروندان سفیدپوست، آرای آنها را بدست آورند، فرماندار آر کانزاس افزود بوش مسئول تعیین نژادی حاکم بر امریکاست که به ناآرامی های لوس آنجلس انجامید.

آلمان ناشی از پذیرش مهاجر و پناهنده است، و راه چاره، تغییر قانون اساسی و محدود کردن حق پناهندگی است، کوشید سوسيال دمکراتها را که تا همین چندی پيش، مخالف تحديد حق پناهندگی بودند، تعريف کنده، اما همین تبلیغات، به نیروهای راست افراطی امکان مانور داد تا حدی که گروههای شیه فاشیست توanstند در دو ایالت با کسب ۵ و ۱۵ درصد آرا به پارلمان ایالتی راه یابند.

استعفای گنسر بر زمینه این تصویر نگران کننده از ایندۀ آلمان صورت گرفته است. دولت کامل با کناره گیری گنسر، از توافق‌ترین و موفق‌ترین هضو خود محروم می‌شود. بعید به نظر می‌رسد کلاوس کینتل وزیردادگستری و عضو حزب گنسر که برای جانشینی او در نظر گرفته شده است، بتواند خلا گنسر اپر کند.

جدیدمالیات برای تامین مخارج سنگین و حدت، ارتقای سطح زندگی را متوقف کرده و در هواره سطح زندگی را کاهش داده است. نرخ تورم در فرب آلمان حدود ۴ درصد است که به نسبت متوسط سالهای گذشته، افزایش نشان می‌دهد. همه این عوامل باعث شده است که در آخرین نظر سنجی‌ها، تنها ۳۷ درصد رای دهنگان آلمانی به احزاب مسیحی (اتحادdemکرات مسیحی به رهبری کهل و اتحادسوسيال مسیحی در ایالت باواریا) تاميل نشان دهند. دولت ائتلافی بن در مجموع کمتر از ۴۵ درصد آرای مردم را در شرایط فعلی پشتواه خود دارد. ترند همیشگی محافظه کاران برای کسب آزاد انتخابات اخیر ایالتی به ضد خود تبدیل شده است: حرب کهل همیشگی محافظه کاران در کارزارهای انتخاباتی اخیر، با طرح این مسئله که بسیاری از مشکلات

فشار جامعه بیانجامد، و پیشگی این شورش‌ها، کوری نهادست، شرکت کنندگان در این رژیم‌ها، آگاهی و شعوری مناسب احاد محرومیت خود از جامعه‌ای که پس از گذشت بیش از یک قرن از لغو برده‌داری و سی سال از موقیت‌های جنبش ضد تبعیض نزدی در القای قوانین نژادپرستانه، هنوز از شکاف عمیق میان سیاه و سفید روح می‌برد، عادی بود، اگر بود آن فیلم افساگر که تصادف‌گار فته شد، در خارج از محدوده بلافضل بازگران حادثه، کسی از این حادثه باخبر نمی‌شد، اما گویی تقدیر بر این است که هر جا باروت انبیار شود، جرقه نیز بالآخره بیاید. ضرب و شتم کینگ توسط "مردان قانون"^۴، شهری را به آتش کشاند که شکاف‌های عمیق طبقاتی و نژادی از میان آن می‌گذرد، شروتمندترین افراد جهان در تروتمندترین محله جهان یعنی ببورلی هیلز، در کنار میلیونها تن که ریز خط فقر زندگی می‌کنند، شهر وندان لوس‌آنجلس‌اند، در حالی که دردهم شصت، دولت‌های روسای جمهور امریکا تحت عنوان "جنگ علیه فقر" اقدامات معینی برای تخفیف، تابابری طبقاتی انجام می‌دادند، با روی کار آمدن ریگان همه توان مالی دولت از برناهه‌های رفاه اجتماعی به افزایش تسليحات و مشغول‌گی‌های مالیاتی سعدتا برای شرطمندان - مغضوف شد. دولت ریگان و جاشن او بیوش در طول دوازده سال اخیر بر محرومیت شدید میلیونها امریکایی سعدتا سیاپوستان و سایر اقلیت‌های نژادی افزودند، بنظر می‌رسد واشنگتن، حدود یک‌سوم جمعیت ایالات متحده را بدلیل به حال خود هاکرده است تا زیر بار سنتین یعنی بحرانهای مزمن و اداواری سر مایه داری مغلوب تر و مغلوب‌تر شود. بیکاری و بی‌خانمانی، فقر و کرستگی، نقدان امکانات آموزشی و بعداشتی، انتیاد به مواد مخدوشونت، گریان میلیونها امریکایی را گرفته است. در میان اقتشار وسیعی از جامعه امریکا، جوانان که هیچ چشم اندازی در مقابل خودنمی‌بینند، بطور فزاینده‌ای به دزدی، خربوده فروش مواد مخد

استعفای گنشر
یه از صفحه آخر
نهانی مناسبات سرمایه داری،
ستگینی را بر دوش میلیونها
عرون و ندساق جمهوری دمکراتیک
مان گذاشته است. نرخ بیکاری
پنج ایالت جدید، نزدیک
۲۴ درصد است. در حالیکه قیمت
الاملاک و خدمات به سرفت به سطح
الات فربنی افزایش یافته است، در آمد
مالی شرق آلمان در بعضی از
الات محدود ۶۵ درصد در آمد
دم آلمان فربنی است.
بیانی های بزرگ آلمان فربنی
که کنون از سرمایه گذاری های
سیع برای ایجاد اشتغال در شرق
مان خودداری کردند و وضع
لکیت بسیاری از کارخانه ها،
اضری و مساعلات روشن نیست.
در قرب آلمان نیز وضع موارد

نیروهایش بعمران عبدالرشید دوستم با تعداد زیادی از نیروهایی که تا آن زمان در کنار نجیب بودند، مزار شریف را تحت کنترل خود گرفتند و با احمد شاه وارد مذکور شدند. حوادث نظری این، به سرعت به رویدادهای نظیر تسليط شورشیان به گذرگاه استراتژیک سالنگ، تصرف پایگاه هوایی بگرام گسترش یافت. بگرام، بیچیج مقاومتی پایگاه را تسليم احمد شاه مسعود کرد. بدین ترتیب در فاصله کوتاهی، در حالیکه چند هفته پیشتر به موعد اعلام شده از سوی نجیب برای کناره گیری از قدرت بر اساس طرح سازمان ملل باقی نمانده بود، کابل تحت محاصره قرار گرفت و همه این حوادث همانطور که روزهای بعد آشکار شد، با همکاری بخششی از سران ارش و حزب وطن صورت گرفت و بر اساس گزارش‌های انتشار یافته در آخرین روزهای حکومت نجیب الله، بسیاری از رهبران حزب و ارتش بنا به تعلق قومی خود شروع به گسترش تماس‌های خود با نیروهای شورشی پرداختند، طوریکه در میان آنها در این زمینه نوعی مسابقه در گرفته بود، و نجیب ناتوان از مقابله با این وضع، هنگامیکه دیگر همه چیز پایان یافته بینمود، در اقدام خود برای خروج از کشور، نیز ناکام ماند و ناچار به دفتر سازمان ملل در کابل پناه برداشت. رهبران جدید که بجا نجیب قدرت را در کابل بدست گرفته بودند، اعلام کردند که "مانع صلح" بر طرف شده و آماده اندقدرت را به شورای حکومتی موردنظر در طرح سازمان ملل تحویل دهند و پس از تماس با احمد شاه مسعود در تزدیکی کابل، ژئرال بنی عظیمی در اعلامیه‌ای با سرور فراوان از فرا رسیدن زمان صلح سخن گفت.

اما این خوشحالی رهبران جدید چند روزی پیش پاییز، نه شورای حکومتی وقت مطابق طرح سازمان ملل سر گرفت و نه صلح فراریست. ده روز پس از بر کناری نجیب، کابل که در حقیقت آخرین شهر افغانستان در دست نیروهای دولتی بود، به تصرف شورشیان در آمد و بلافضله، آتش تانک و توب و رگبار تفتناهای خود کار وسیله تقسیم قدرت میان اهالی گرهام، مختلف

نکشیده بود. پیش از ان خبرگزاریها گزارش داده بودند که امریکا و شوروی به هنگام امضا توافقنامه قطع ارسال سلاح به طرفین در گیری، در ارتباط با آینده افغانستان، در مورد صفت اله مجده بعنوان رئیس دولت انتقالی به توافق رسیده بودند.

تفایر موضع شوروی تغایر متفاقاتی رادر موردنوش حکومت کابل در فرایند صلح افغانستان در محاذی رهبری حزب وطن بدنبال داشت و شکل گیری سیاستهای متفاقاتی را موجب شد. دکتر نجیب الله هم خود را مصروف طرح ۵ ماده ای دبیر کل سازمان ملل و به شمر رسیدن کوشش‌های بیون سوان نماینده دبیر کل سازمان ملل در امور افغانستان کرد بود، نجیب گرچه نقشی برای خود در آینده افغانستان نمی دید، اما بر آن بود که توافق مسکو با مجامدهان، بطور کلی حکومت کابل اطمینان داشت تا حکومت کابل اطمینان که از حمایت ارتش بر خوردار است، از مذاکرات برکنار نخواهدماند.

اما بخشی از رهبری حزب وطن با این عنوان که نجیب در فک نجات خود و سرنشست خویش است، او را برای کناره گیری هرچه سریعتر از ریاست جمهوری زیر نشار قرار داده بودند. بنظر میرسد این بخش از رهبری حزب وطن، روی راههای دیگری، از جمله امکان همکاری با بخشی از مجاهدان در مقابله با پیش از افرادی شورشیان، حساب باز نی کرده اند. چنین نگرشی را میتوان در اظهارات یکی از مقامات کابل کاملاً مشایده نمود. این مقام پاییز سال گذشته گفته بود: "مجاهدان میانه رهبری اگر آنها دولتی بودن حمایت ارتش تشکیل دهند، تندروها آنها رادر کمتر از ۲۴ ساعت خواهند بلغید".

احساس پایان دوران نجیب در میان نیروهای دولتی و قطع کمکهای مالی به دولت از سوی شورویها بدنبال فروپاشی اتحاد شوروی و روی کار آمدن یلتسین در روسیه، امکانات و نفوذ نجیب الله در مقابله با مشکلات و نیز نشار اطرافیان کاهش یافت. نجیب در یکی از آخرین مصاحبه هایش کوشش‌های اطرافیانش علیه خود را بطور ضمنی با خبرنگاران در میان، "آزاد ام باش، هیا نکنه

شورشی فرار کرد. حرب وطن و نیروهای وابسته به آن از شرکت در سرنوشت کشورشان به تناسب سهم خود محروم ماندند و آنطور که هم اکنون پیداست، انحصار قدرت که در زندگی سیاسی افغانها راهی کاملاً شکست خورده است، بار دیگر در چهره ای تازه چون کوه در پرایر حرکت افغانها بسوی تفاهم ملی تقدیم کرد. کوشش های بنون سوان برای آنکه کاری را در معابر بحران افغانستان انجام داده باشد، بار دیگر از سرگرفته شده است. اما اوضاع دیگر در مجرای سوای طرح سازمان ملل که مورد تائید همه محافظین الملی و قریب به اتفاق طرفهای درگیر افغانی بود، افتاده است و متناسبه باید گفت در آخرین مراحل کوشش های صلح جویانه سازمان ملل، تفرقه و رقابت در رهبری حرب وطن، تاثیر مخرب خود را بر جای گذاشت.

کشور تو طله هاست، بطور تلویحی میگوید که چهار معاون او نیز سرگرم تو طله علیه او هستند، رویدادهایی که او اخر سال گذشته در ایالات شمالی افغانستان رخ داد و بنوه سرآغاز حوادث اخیر افغانستان تا برکناری نجیب شد، ارتباط کاملاً تزدیک با فعل اتفاقات درونی حزب و دولت کابل داشت، زمستان سال گذشته، نجیب ژئوال عبدالمؤمن فرمانده یکی از پادگانهای نوار هرزی افغانستان با ازبکستان را از کار برکنار کرد. اما اواز تحويل پست خود سریاز زد و رهبری دو لشگر شبه نظامی ازبک و اسماعیلی در شورش علیه دولت نجیب الله را بر عده گرفت. نجیب الله کوشید با شورشیان به توافق بر سد، اما پشتونهای افغانی در حکومت او با اصرار براینکه تاجیک ها از بک ها و سایر اقلیت ها میخواهند کشور را تجزیه نمایند، مانع چنین توافقی شدند. در نتیجه عبدالمؤمن و

بیانیه از صفحه اول
شبیه نظامیان از بک و تاجیک که
پیش از آن از دولت کابل جانبداری
میکردند، وارد کابل پایتخت
افغانستان شده و این شهر را به
تصرف خود در آوردند. تصرف
کابل توسط شورشیان افغان، با
پایان جنگ و بازگشت صلح به
آن کشور همراه نشد و آتشونه که
حوادث این ده روزه پیش رفت،
نمی توانست هم جز این باشد
حوادث مایلی از حوادث اخیر
افغانستان و در استقبال از
کوشش‌های سازمان ملل گفته
بودیم که در بحران افغانستان اگر
غایله باراه جلهای سیاسی که عمدتاً
بر محور طرح ۵ ماده ای سازمان

مل استوار بود ، باشد ، میتوان
نسبت به گشایش چشم انداز صلح در
انکشور امیدوار بود . اما حادث
چند هفته گذشته بر وقاین آرزو
پیش نرفت و اکنون باستقرار
مجاهدان در کابل ، انحصار تدریت
در دست آنها و کشاکش بر سر
 تقسیم قدرت میان آنها ، یکبار
دیگر سرنوشت افغانستان در هاله
ای از ابهام فرو رفته و این کشور
در معرض خطر جنگ داخلی قرار
گرفته است .

تصرف کابل توسط شورشیان
بعیچ روی نتیجه پیروزی نظامی
و برتری قوای آتشا بر نیروهای
دولتی نبود. میچ ناظر خارجی و
حتی نزدیکترین حامیان
مجاهدان نیز نتوانستند آنرا
بحساب نتیجه یک عملیات پیروز
ممن نظامی مجاهدان علیه دولت
کابل بگذراند. در سه سالی که از
خروجه قوای شوروی از افغانستان
میگذرد، برخلاف پیش بینی
بسیاری از محاذل و مطبوعات
فریبی، مجاهدان نه تنها توانستند
دمات کارا را ساقط کنند، بلکه

قطع کمک های مادی و تسهیلاتی به دولت کابل و ادامه کمک های پاکستان، هریستان و جمهوری اسلامی به مجاهدان نیز نتوانست دولت کابل را وادر به تسلیم قدرت به مخالفان خود نماید. از آینه و سرخ حوادث اخیر افغانستان را که به بر کناری نجیب و تصرف کابل از سوی شورشیان منجر شد، قبل از همه بادر تغییر

موقع رهبری اتحاد شوروی
سابق در قبال نقش تجیب الله و حزب
وطن در حل و فصل بحران
افغانستان و به تبع آن در داخل
حزب وطن وکش و قوس میان
محاذل رهبری این حزب
جستجوگرد.
تا پیش از کودتای ماه اوت
علیه گارپاپ، شورویها همواره
بر نقش دکتر نجیب و حزب وطن
در مر دولت انتقالی تا برگزاری
انتخابات آزاد در افغانستان پا
فشاری میکردند. اما بدنبال سفر
هیاتی از مجاهدان افغانی به
مسکو که پس از کودتای ماه اوت
صورت گرفت، مسکو بانیاندگان
مجاهدان به توافق رسید که قدرت
در افغانستان تا برگزاری
انتخابات، به یک دولت موقت
اسلامی واگذار شود. بوریس
پانکنی وزیر خارجه وقت شوروی
در آنهمگام اعلام کرد که کشورش
دیگر بر نقش تجیب الله و حزب
وطن در قدرت انتقالی در
افغانستان پاپشاری ندارد. گفته
میشود که دولت شوروی در
مذاکرات مسکو با مجاهدان
میچگونه شرایطی را در حل و
فصل بحران افغانستان پیش

تشدید بحران در تاجیکستان

منزه گذشته پس از مدت‌ها تاجیکستان ناروشن است و سرنوشت قطعی کشمکش میان رخان نبی اف، رئیس جمهور تاجیکستان شدت یافت و نبی اف مجبور به قطب نشینی در برایر مخالفان خودشد. در گزارش‌های اولیه که روز ۱۷ اردیبهشت ماه انتشار یافت، اعلام شده بود که رئیس جمهور تاجیکستان در اثر نشار آپوزیسیون مجبور به کناره‌گیری نبی اف



طرفداران زیادی دارد. مخالفان نبی اف طیف گسترده‌ای از اقلابی^{۱۰} افتاده است. اما یک روز پس از آن، نبی اف در یک پیام تلویزیونی که از مرکز تلویزیون دو شنبه پایخت تاجیکستان پخش شد، اعلام کرد که برای ایجاد یک کشور "دموکراتیک" و فیر مذهبی^{۱۱} با مخالفان خود مکاری خواهد کرد. نبی اف همچنین طی فرمانی حالت فوق العاده در پایخت جمهوری را که یک روز تاجیکستان طرفداران زیادی دارد و از اشتراک‌زنی و نزدیکی فرهنگی، برای تقویت بنا بر این اعلام شده است که مخالفان نبی اف آمادگی خود را برای مذاکره باوی اعلام کرده‌اند، جمهوری بصره می‌گیرد.

و ترک دو شنبه شده و قدرت در این کشور بدست یک "شورای انتظامی"^{۱۲} افتاده است. اما یک روز خواهند توانست مردادگاهی را متعاقد کنند، از چهار پیش تلویزیونی که از مرکز تلویزیون یک سال بعد، این شکایت در دادگاهی با یک هیات منصفه ۱۲ نفره که تمام از سفیدپوستان تشکیل شده بود، مطرح شد. این هیات منصفه، رای به برائت مقایسه با شمار زیادی از مردم ایرانی و به ویژه اقلیت‌های نژادی و اثبات جرم، مدارک کافی وجود ندارد. تا این جای ماجرا در صفحه ۱۱

کینگ به ماموران حمله ور شد، اما چهار مامور پلیس به سرفت اورا به زمین انداختند و به زیر لگد گرفتند تا دقایقی پس از میزبور شکایت کردند. تیریا پاهاش چهار پلیس به سه سینه، پشت، پهلو و شکم کینگ ادامه داشت. کینگ تا سرحد مرگ پیش رفت و هنوز یکسال پس از آن حادثه، از همان رنج مبتد در چهار پلیس از حمله سختی خورده است و میزبور به ویژه اقلیت‌های نژادی و اثبات جرم، مدارک کافی وجود ندارد. از میزبور می‌داند که یار بود که یک شاهد عینی، از این افراد پلیس و کینگ چه مشاجره‌ای در گرفت که بدنبال

رئیس پلیس لوس‌آنجلس روز ۱۳ شده، اما چهار مامور پلیس به رئیس پلیس روز مقررات منع عبور و هر روز ۵۰۰ نفر طی اتفاقی شود و تادویسه روز بعد، فیروهای مسلح فدرال شمره را ترک خواهند گفت.

جرقهای در اینبار باروست حدود یک سال پیش، چهار مامور سفیدپوست پلیس، اتو مبیل رادنی کینگ شهر وند ۲۵ میلیونی پلیس از حمله سختی خورده است و دویل فدرال امریکا با ۴۵۰ به نظر می‌رسد. دلار کسری بودجه، کمک مؤثری به شهر کند. پس از دوشنبه روز آرامش نسبی و حضور نیروهای مسلح،

استعفای گنشر

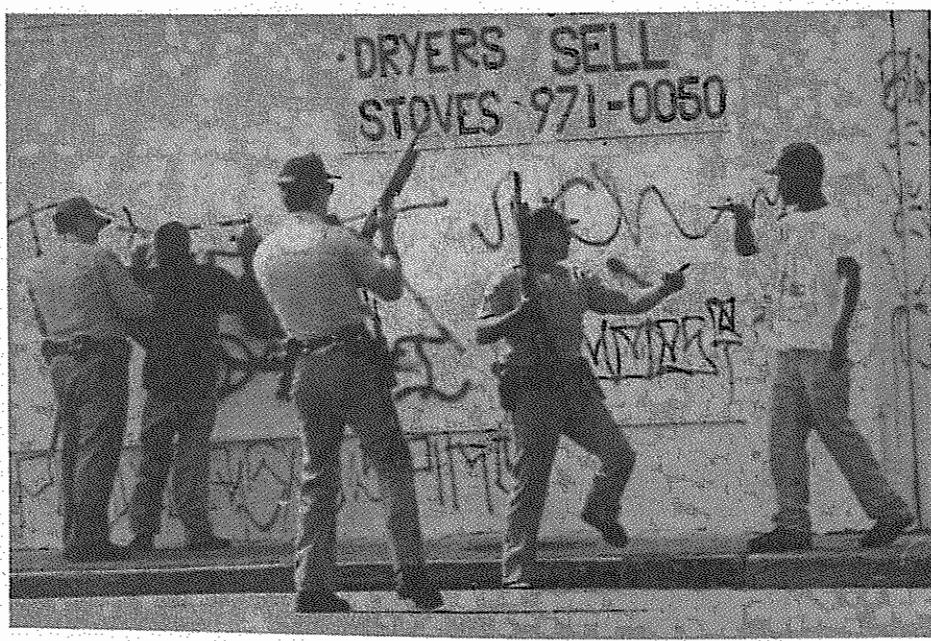
هانس دیتریش گنشر وزیر خارجه آلمان هفته گذشته اعلام کرد در هجدهمین سالگرد انتصاب خود به این مقام، یعنی ۱۳۷ اردیبهشت امسال، از مقام پرسابقه ترین وزیر خارجه جهان گنشر در سال ۱۹۷۶ با سقوط دولت ویلی برانت و تشکیل کابینه هلموت اشمشت صدراعظم سابق آلمان ندرال، محمد دلروزارت خارجه شد. او سال‌ها رهبر حزب لیبرال "دموکرات آزاد"^{۱۳} آلمان فربی بود. در سال ۱۹۸۲ این روحیه، نشان می‌داد که همه فرآخوان‌های دولت بن دایر بر اینکه برای دست یابی به اهداف ملی و اجرای وظایف مربوط به وحدت آلمان، باید از بخشی از رفاه چشم پوشید، با تابوری مردم موافجه شده است. زحمتکشان آلمان می‌بینند که همان کسانی که پیوسته مردم را به محکم تر بستن کمربندها دعوت می‌کنند، سیاست‌های را پیش‌بینی برند که ثروتمندان را بیوسته ثروتمندری کنند. نمایندگان پارلمان‌های ایالتی و پارلمان ندرال آلمان، هر سال با تسریع روند فروپاشی جمهوری دمکراتیک آلمان توانست هنوان خود، حقوق خود را به میزان اعظم آلمان متوجه از آنچه مورد و در انتخابات پارلمانی، سوییل مذکور اتحادیه اشکست. اما اینکه ثابت شده است که وعده انتخاباتی کهل مبنی بر اینکه با وحدت آلمان،^{۱۴} وضعیت هیچکس بدتر نخواهد شد اما وضعیت بسیاری، بعیود خواهد یافت^{۱۵} در روی پیش نبود. در شرق آلمان، حاکم شدن

اعتصاب بزرگ کارکنان بخش دولتی در آلمان

روال معمول خود از کارکنان همه موسسات دولتی برای بزرگ‌ترین الگوی سرمایه‌داری را از این راه افتخاری می‌گیرد. کارکنان موسسات عمل آورده که در آن، اکثریت قریب به اتفاق کارکنان، امادگی خود را برای دست کشیدن از اعتاصاب طولانی معدنچیان انگلیس در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی کردند. نکته جالب اینجاست که کارفرمایان بسیاری از این راه افزایش دستمزد که هیات میانجی پیشنهاد کرده بود، حاضر به پرداخت ۶/۴ درصد اضافه دستمزد شدند و زیر بارای هیات میانجی نرفتند. از این رو اعتصاب آلمان نویی جنگ قدرت میان کارکنان موسسات و کارکنان محسوب نشد. در این جنگ قدرت، این اتحادیه کارفرمایان بود که عقب نشست و در حد پیشگاهی هیات میانجی را بیانی جدگاهی است.

در نتیجه اعتصاب، رفت و آمد یافتنگی نیروی کار از همه کشورهای سرمایه‌داری ایالتی و سرمه‌داری از ادارات به کلی مختلف یا متوقف شد. هر روز بین سیصد تا چهارصد هزار تن در این اعتصاب که به دعوت سندیکای بزرگ^{۱۶} پیشرفت، در بالاترین صنایع فلزی، بزرگترین سندیکای غضو اتحادیه سندیکاهای آلمان نزدیک به ۱۵ میلیون عضو دارد. سندیکای "بخش دولتی و حمل و نقل"^{۱۷} پساز سندیکای بسیار بیشتری از آنچه مورد در خواست توده کارکنان بخش دولتی است، بالای برند. در چنین شرایطی، این شعار

اعتصاب نیرومند و پر تاثیر سندیکای کارکنان بخش دولتی است. در این روزهای تاریخی تیر و فروردین ۱۳۹۰، سندیکای کارکنان بزرگ این روز را در پیروزی تاریخی خود را برای کشور ایالتی، نماینده شهرداری‌ها^{۱۸} به وجود جشن گرفت. از جنگ نرسید و کارکنان میانجی را اهمیت زیادی بخوردان را داشتند. این اعتصاب در کشوری صورت پیش‌بینی برداشتند. در نتیجه سندیکا طبق



ارتش پلیس لوس‌آنجلس وظیفه سرکوب شورش را بر عهده گرفتند

بتیه از صفحه اول و چهار هزار تنگدار دریایی را مامور بازگرداندن آرامش به لوس آنجلس کرد. تمام برادری شهردار لوس‌آنجلس در این شعر مقترات منع رفت و آدمشان اعلام نمود. شماری قربانیان نازاری های لوس‌آنجلس از تعداد کشته شدگان حوادث نژادی ۱۹۶۷ دیترویت ریز فزوی گرفت. در آن زمان، رمرکز کارخانه‌های اتمومیل سازی امریکا ۳۴۳ نفر طی نازاری های به بیانیه بود. قتل رسیدند. تاریخ‌های امریکا نازاری های با ابعاد حادث اخیر لوس‌آنجلس را تنها در ۱۹۱۷ بدیاد دارد که در جریان آن در شهر ایست سنت لوئیس ایالت ایلینوی، ۴۸ نفر کشته شدند.

در لوس‌آنجلس، پانزده هزار انسجام برق قطع شده و تخریب گشته‌اند.

میزان خسارات یک میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. این در حالی است که اقتصاد لوس‌آنجلس در آستانه حادثه اخیر نیز در وضع خوبی بسیاری در این شهر رویارویی می‌باشد. فدرال شمره ترک خواهند گفت.

جرقهای در اینبار باروست حدود یک سال پیش، چهار مامور سفیدپوست پلیس، اتو مبیل رادنی کینگ شهر وند ۲۵ میلیونی پلیس از حمله سختی خورده است و

بعد از دیده‌گان، لوس‌آنجلس از حادثه اخیر لطمہ سختی خورده است و دلار فدرال امریکا با ۴۵۰ به نظر می‌رسد. دلار کسری بودجه، کمک مؤثری به شهر کند. میان افراد پلیس و کینگ چه مشاجره‌ای در گرفت که بدنبال

در دو هفته اخیر اعتصاب ساختمان‌های دولتی و مدارس، پرستاران و بیمارستان‌های دولتی و بیمارستان‌های دولتی و بیماری دیگر از مستخدمین دولت فدرال، دولت‌های ایالتی و شهرداری‌ها، سایداران ساخته اینجا نظر می‌گیرند. این جنگ قدرت، این اتحادیه کارکنان نظافت

در نتیجه اعتصاب، رفت و آمد یافتنگی نیروی کار از همه کشورهای سرمایه‌داری ایالتی و سرمه‌داری ایالتی و سندیکاهای آلمان نزدیک به ۱۵ میلیون عضو دارد. سندیکای "بخش دولتی و حمل و نقل"^{۱۷} پساز سندیکای بسیار بیشتری از آنچه مورد در چنین شرایطی، این شعار

برقراری ارتباط از طریق فاکس

دوستانی که در اقصی نقاط جهان می‌خواهند باید خانه مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)
را باید برقرار کنند، خوانندگان، مقاوم و یادگاری را رسیده باری
شیریه ارسال بدارند، از طریق شماره فاکس fax ۰۰ ۴۹ - ۲۲۱ - ۳۳۱۸۲۹۰
بگیرند.

اوروبا دیگر نقاط

جهای اشتراک تشریف "کار" در خارج از کشور فرم ذیر را پر کرده و همراه با معاون اشتراک از این تشریف ویارسیده باشند.
برای اشتراک این تشریف "کار" بجز این اشتراک از این تشریف ویارسیده باشند.

آدرس کامل (اطلاعات باید باید):

جهای اشتراک تشریف "کار" ششم ماهه ۵۷ مارک
تشریف "کار" ۰ بیکاره ۵۰ مارک ۱۰۴ مارک

کارکنان اشتراک از این تشریف ویارسیده باشند.

KAR
No 34
13.MAY 1992

حساب بانکی: M.ABD NR-35263011 کدبانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY	Address: Ruzbeh POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY
---	--